

نبی می گوید ... من آدمی بودم میان آدم‌های دیگر؛ راه رویی بودم میان راه‌روهای دیگر؛ ... حرکت می‌کردم، در کنار حرکت‌های دیگر. امروز عوض شده راه من، امروز تخطئه می‌کنم آن حرکت عمومی و مسیر جمعی جامعه را؛ یعنی امروز شدم یک آدمی که رستاخیزی در جامعه برپا می‌کند. کی؟ بعد از (بعثت).

سید علی خامنه‌ای | طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن



**ماوبهران زیست محیطی**  
گزارش جلسه پنجم تحکیم اندیشه با ارائه محمد درویش

گاهنامه واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت دانشگاه تبریز | دوره سوم، شماره دهم، اسفند ۱۴۰۰ | سردبیر: امیرحسین حیدری | مدیر مسئول: امیررضا بفتاق



## شما آفلاین هستید

# موانع توسعه اینترنت در ایران

چرا اینترنت ایران توسعه نیافت؟ | همین صفحه

### ماشه اعتراضات

چگونه حذف یارانه از ۴۲۰۰ تومانی می‌تواند منجر به شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی شود؟

۲

### هشدار، انقلاب اسلامی در خطر است!

جمهوری اسلامی در گذرگاه الیگارشیک شدن

۴

### چه لزومی برای افزایش جمعیت هست؟

طرح جوانی جمعیت در ترازوی نقد

۴



# پشتوانه قانونی اعتراضات در قانون اساسی

۲ خرداد ۷۶ تا ۲۴ آبان ۹۸ در گفتگو با دکتر احمد علیرضاییگی | صفحه ۳

## موانع توسعه اینترنت در ایران

چرا اینترنت ایران توسعه نیافت؟ | محمد حسین اسدی

چرا اینترنت ایران توسعه نیافت؟ تحریم؟ افراد؟ زیرساخت‌ها؟ نهادها؟

در یادداشتی که در ادامه می‌خوانید نگارنده توضیح می‌دهد که چه ضرباتی در طول چند دهه اخیر بر پیکر نیمه‌جان اینترنت، نواخته شده است که نتیجه آن‌ها امروز پیش‌پیش چشمان ماست. از مخالفت‌های ایدیولوژیک تا اشتباهات عمدی و غیرعمدی، از منافع مالی تا بی‌تجربگی سیاستگذاران در این مسأله نقش داشتند.

اوایل شروع دولت سیزدهم وزیر جدید ارتباطات در واکنش به این سؤال که چرا در شبکه‌های اجتماعی و مشخصاً توئیتر و اینستاگرام صفحه ندارد گفته بود به دلیل مشغله‌ی زیاد وقتی برای شبکه‌های اجتماعی ندارد و مردم می‌توانند نظرات و انتقادات و پیشنهاداتشان را از طریق پیامک در اختیار او بگذارند، بگذریم که آن روزها این خبر چه واکنش‌هایی در فضای رسانه‌ای و مجازی کشور در پی داشت. تقریباً چند روز قبل بود که روابط عمومی وزارت ارتباطات از عضویت وزیر در ۹ شبکه اجتماعی / پیام‌رسان خبر داد که البته از آن تعداد به جز دو عنوان اینستاگرام و لینکداین بقیه ۷ مورد از شبکه‌های اجتماعی / پیام‌رسان‌های داخلی‌اند. هم‌زمان با این اتفاق، در صفحه‌ی اینستاگرام آقای وزیر گزارشی از تعداد و محتوای پیامک‌های ارسالی مردم در مدت صد و خورده‌ای روزی که از آغاز به کار دولت سیزدهم می‌گذرد هم منتشر شد. نگارنده این همه مقدمه‌چینی می‌کند تا به این جمله برسد: طبق اینفوگرافیکی که صفحه‌ی وزیر ارتباطات منتشر کرده، اگر

۲۰٪ مربوط به شکایت از اوپراتورها، ۱۶٪ درصد مربوط به توسعه‌ی اینترنت و ۳٪ درصد مربوط به شکایات گیرمها را جمع بزیم و تحت عنوان «مشکلات مربوط به توسعه و کیفیت اینترنت» بدانیم؛ مشکلات مربوط به کیفیت اینترنت نزدیک ۴۰ درصد محتوای پیامک‌های ارسالی مردم را تشکیل می‌دهد. این توضیح نگارنده با چه هدفی نوشته شد؟ برای اینکه گریزی بزند به مشکلات توسعه‌ی اینترنت در ایران و ببیند علت اینکه رتبه‌ی ایران [بنا بر آمار speedtest.org در نوامبر ۲۰۲۱] در سرعت اینترنت ثابت، ۱۴۲ جهان و در اینترنت همراه ۷۰ جهان است، چه بوده است.

### اگر مردم یکی بودی چه بودی

مشکلات سرعت، کیفیت و دسترسی پذیری اینترنت دلایل مختلفی دارد که بعضاً در ساختارهای حاکمیتی، بعضاً در دیدگاه افراد مؤثر و بعضاً در اشتباهات ناخواسته و ندانسته فردی ریشه‌دوانده است. نگارنده در نهایت دلایل عقب‌ماندگی توسعه‌ی ارتباطات در ایران را به دو دسته‌ی کلی تقسیم می‌کند؛ مشکلات مربوط به زیرساخت‌های فنی و مشکلات مربوط به دیدگاه افراد.

ابتدا مشکلات مربوط به زیرساخت فنی را ریشه‌یابی کنیم. برای اینکار یک مقدمه‌ی کوچک از ساختار شبکه و ارتباطات ارائه می‌شود. همانطور که بالاتر خواندید، وضعیت رتبه‌ی اینترنت ایران از نظر میانگین سرعت، در بخش اینترنت ثابت (مودم‌های ADSL/VDSL، فیبرنوری

و حتی احتمالاً TD-LTE) به مراتب از اینترنت همراه بدتر است. در حالی که در اکثر کشورهای دیگر، سرعت اینترنت ثابت بالاتر است. پس چرا ما راه را برعکس می‌پیماییم؟ چون توسعه‌ی اینترنت همراه برای فواصل دور (مثلاً روستاها) به مراتب کم‌هزینه‌تر و سریع‌تر است تا اینترنت ثابت. و به دلیل عقب‌ماندگی ما در سال‌های قبل و ضروری شدن دسترسی به اینترنت به صورت ناگهانی، تصمیمات هم لحظه‌ای اتخاذ می‌شوند. مثل یک جور شرایط جنگی!

توضیح بیشتر اینکه، اکثر کاربران اینترنت ثابت و خانگی در ایران امروز از سرویس‌های ADSL استفاده می‌کنند. این سرویس‌ها بر بستر سیم تلفن ارائه می‌شوند و از یک قانون ساده پیروی می‌کنند: هر چه فاصله‌ی شما از مرکز مخابراتی بیشتر باشد، سرعتتان کمتر خواهد بود. تا یک کیلومتر افت سرعتی نخواهید داشت و از تمام ۲۴ مگابیت بر ثانیه می‌توانید استفاده کنید (هرچند سرویس دهنده‌های ایران بیشتر از ۱۶ مگابیت بر ثانیه سرویسی ارائه نمی‌دهند). تا ۲ کیلومتر به ۱۶ مگابیت کاهش می‌یابد و این فاصله وقتی از ۵ کیلومتر بیشتر شود تقریباً سرعت داندلود در سمت مشتری صفر خواهد بود. حال راه حل رفع این مشکل چیست؟ بله، توسعه‌ی فیبرنوری.

اما توسعه‌ی فیبر نوری به شدت هزینه‌بر است. آیا بقیه کشورها که سرعت اینترنت ثابت بسیار بالایی دارند، همگی از فیبرنوری استفاده می‌کنند؟ خیر! نکته‌ی اساسی در همین (خیر) است.

### صداوسیما: ضربه‌ی اول

فلش بک به سال ۵۸، روزهای تدوین و تصویب اولین قانون اساسی بعد از انقلاب. در قانون اساسی نوشته شد که رادیو-تلویزیون منحصراً در اختیار حکومت خواهد بود.

امواج را بگیرد و به خورد تلویزیون بدهد.

### شرکت مخابرات ایران: ضربه‌ی دوم

یکی دیگر از بزرگترین مشکلات زیرساختی در توسعه‌ی اینترنت، انحصار شرکت مخابرات ایران در داکت‌ها و حوضچه‌های مخابراتی است. این هم از همان اشتباهات [احتمالاً] نادانسته‌ی افراد نشأت می‌گیرد. زمانی که مخابرات خصوصی می‌شد، انحصار این زیرساخت‌ها که از اموال و دارایی‌های عمومی و از سرمایه‌های ملی است [و قبل از آن به درستی در اختیار یک شرکت دولتی، یعنی مخابرات ایران بود] به صورت انحصاری به شرکتی (همان مخابرات ایران، اما این بار خصوصی) داده شد که خود به دلیل ارائه‌ی سرویس اینترنت به مشترکان، رقیب دیگر شرکت‌های سرویس دهنده است.

**به زبان ساده، فرض کنید شرکت الف و ب هر دو یک خدمت را ارائه می‌کنند و رقیب یکدیگرند. در این میان هر دو به یک سری زیرساخت برای ارائه‌ی خدمات خود نیازمندند که انحصار این زیرساخت‌ها به شرکت ب داده شده است. مضحک نیست؟**

این چه رقابتی است که یک شرکت محتاج اجازه‌ی شرکت رقیب خود است. رویکرد شرکت مخابرات ایران هم تاکنون اینطور بود که: نه خودم بستر فیبر نوری را توسعه می‌دهم نه می‌گذارم شما توسعه بدهید. برای همین توسعه‌ی زیرساخت فیبر نوری با مانع بسیار بزرگ و زبان نفهمی مواجه شد.

### مجلس بی تجربه: ضربه‌ی سوم

نکته‌ی بسیار قابل تعجب اینک سال گذشته مجلس محترم شورای اسلامی در لایحه‌ی بودجه‌ی امسال (۱۴۰۰) اصرار داشت که قسمتی از درآمد کارور (اپراتور) های دیگر را در اختیار شرکت مخابرات ایران قرار دهد تا از آن درآمد برای توسعه‌ی زیرساخت پنج میلیون پورت اینترنت ثابت پر سرعت استفاده شود. (لایحه‌ی بوجه سال ۱۴۰۰، تبصره ۶، بند ۱۱)، (مورد ۲) یک لحظه همین جا بایستید و یکبار دیگر جمله‌ی قبل را بخوانید. توجه کردید که چه اتفاقی افتاد؟ علاوه بر انحصاری که شرکت مخابرات ایران دارد [یادآوری جهت تأکید: شرکت مخابرات ایران یک شرکت خصوصی است و بر سرمایه‌های ملی انحصار دارد] و با آن انحصار شرکت‌های خصوصی دیگر را دچار مشکل کرده است، قسمتی از درآمد همان شرکت‌های خصوصی بی‌نوا رقیب در اختیار شرکت مخابرات ایران قرار می‌گیرد تا زیرساخت انحصاری خود را گسترده تر کند و درآمد بیشتری کسب کند. اگر برای خوانندگان محترم سؤال است که چرا باید این همه امتیاز تبعیض آمیز در اختیار یک شرکت خصوصی قرار بگیرد، توصیه می‌شود بررسی کنند که بیشتر سهام این شرکت (خصوصی) در اختیار کجاست. برای ادامه داشتن این یادداشت‌ها نگارنده را از نام بردن آن معاف کنید.

شرکت‌های دیگر عملاً برای بقا در این شرایط روی آورده‌اند به منابع درآمدی دیگر، مثلاً سرویس‌های پخش فیلم و سریال (VOD) راه انداختند، یا در قسمت‌های پشتیبانی شرایط رقابتی ایجاد کردند، یا به توسعه‌ی اینترنت ۴G روستایی پرداختند. حال آنکه همه‌ی این هزینه و انرژی می‌توانست به سمت توسعه‌ی فیبر نوری برود که به مراتب مطمئن تر، سالم تر (از نظر عدم وجود امواج بی‌سیم)، سریع تر و آینده نگارانه تر است.

خرداد ماه امسال بود که هیأت دولت دوازدهم لایحه‌ای جهت بازپس‌گیری این زیرساخت‌ها از شرکت مخابرات تصویب کرد. البته فعلاً به تصویب مجلس نرسیده (تصویب که هیچ، حتی صحبتش هم نشده) و با وجود رویکرد مجلس یازدهم که در طرح صیانت و امثالهم دیدیم، به نظر نمی‌رسد به نتیجه‌ای برسد.

### دوباره صد او سیما: ضربه‌ی چهارم

دو مورد از عمده ترین مشکلات توسعه‌ی زیرساخت اینترنت ثابت کشور گفته شد، یک مورد هم برای اینترنت همراه، به صورت گذرا عرض شود که انحصار صد او سیما بر باندهای فرکانسی ۷۰۰ و ۸۰۰ مگاهرتزی یکی دیگر از مشکلات توسعه‌ی اینترنت همراه بوده است. در حالی که در همه جای دنیا اختیار باندهای فرکانسی به سازمان رگلاتوری سپرده می‌شود نه اینکه یک سازمان، قلدرا مآبانه باندهای فرکانسی [که با هم از سرمایه‌های ملی اند] را به انحصار خودش درآورد و نه از آن‌ها استفاده کند و نه اجازه‌ی استفاده برای توسعه‌ی اینترنت همراه توسط این باندها را بدهد. این هم یکی دیگر از مراحل بود که صد او سیما بر مسیر توسعه‌ی اینترنت در ایران سنگ اندازی کرد که اتفاقاً این بار کاملاً دانسته و عامدانه بود.

از مشکلات زیرساختی که عبور کنیم، به مشکل بزرگ تر و عمیق تر می‌رسیم: وجود افرادی که از نظر دیدگاهی و ایدئولوژیکی همیشه با توسعه‌ی اینترنت دشمن بوده‌اند.

### سرعت ۱۲۸ کافی است: ضربه‌ی پنجم

اواخر دهه‌ی هشتاد شمسی بود که وزیر ارتباطات دولت دهم (که امروز هم از مدافعان و مبلغان سرسخت

طرح صیانت است) در یک مصاحبه گفت ((اینترنت با سرعت ۱۲۸ کیلوبیت بر ثانیه برای کاربران خانگی کافی است)) نگارنده برای اینکه تصور درستی از این عدد برایتان ایجاد کند اجازه دهد اشاره کند که میان‌ه‌ی سرعت اینترنت ایران بنابر آمار speedtest.org امروز در اینترنت ثابت و همراه به ترتیب ۹،۸ و ۲،۵ مگابیت بر ثانیه است. یعنی تقریباً به ترتیب ۷۹ و ۲۰ برابر چیزی است که آقای وزیر سابق و آقای نماینده‌ی فعلی به صلاح مردم می‌دانستند. که البته با سرعت‌های امروزی به وضوح همه‌ی ما در کارهای روزمره ضعف و کمبود سرعت اینترنت را با جان و دل می‌چشیم.

**برای اینکه حس خوبی بهتان دست بدهد می‌توانید از این به بعد هر وقت سرعت اینترنت اذیتان کرده به خودتان یادآوری کنید که از سرعتی به طور متوسط ۱۴۰ برابر چیزی که آقای وزیر وقت صلاح می‌دانسته است استفاده می‌کنید!**

وجود چنین دیدگاهی در فردی که مثلاً باید متولی و پیشرو توسعه‌ی اینترنت در کشور باشد مشخص است که چه بلایی بر سر زیرساخت اینترنت می‌آورد. به اندازه‌ی کافی نهادهای بسته‌ی حاکمیتی دیدگاه منفی و امنیتی نسبت به اینترنت دارند، حال اگر وزیر ارتباطات به جای اینکه از طرف مردم به مقابله با آنان بپردازد، خود با آنان همراه شود، دیگر سنگری باقی نخواهند ماند.

### متحجر نباشیم: ضربه‌ی ششم

به عنوان یک فرد مذهبی از یک خانواده مذهبی باید اعتراف کنم که متأسفانه، متأسفانه و باز هم متأسفانه، سابقه‌ی قشر مذهبی هم در این زمینه کمی تاریک است. در حالی که سفارش اسلام به علم‌گرایی و علم‌آموزی بر همگان روشن است و به اندازه‌ی کافی آیات و احادیث در این باب خوانده‌ایم و شنیده‌ایم، اما با هم به مرحله‌ی عمل که می‌رسیم متأسفانه می‌بینیم که به طور کلی مقابله با علم و تکنولوژی در قشر مذهبی نمود بیشتری دارد. از همین قضیه و اکسن و تجععات ضد اکسن در شهرستان قم و درصد اقبال مردم به واکسیناسیون در استان قم گرفته تا بقیه‌ی وجوه علم و تکنولوژی که در بدو ورود به کشور یا جامعه از سمت قشر مذهبی نسبت به آن‌ها گارد گرفته می‌شود. مثال بارز آن هم باز به او اواخر دهه‌ی هشتاد یا اوایل دهه نود شمسی بر می‌گردد که یک کارور (اپراتور) برای اولین بار قصد داشت اینترنت نسل سوم (۳G) را در کشور پیاده کند که عده‌ای رفتند پیش مراجع قم و فریاد و اسلاما سر دادند و آن قدر علیه تکنولوژی حرف زدند که بالاخره از یکی از مراجع تراز اول حکم حرمت استفاده از آن کارور را گرفتند. بماند که این اقدامات چه ضربات مهلکی بر پیکر دین و دین‌داران وارد و چقدر مردم را از دین دور زده کرد. چقدر دین و دین‌داری مورد تمسخر قرار گرفت و در نهایت هم قبح مخالفت با دین شکسته تر از همیشه شد.

البته ملت ایران به این قبح شکنی‌ها عادت کرده است. از همان زمانی که برای ممنوع بودن ماهواره قانون تصویب شد و چند ده میلیون نفر ایرانی یک شبه مجرم تلقی شدند، تا فیلترینگ و مسدودسازی پیام‌رسانی مثل تلگرام که در یک لحظه، بالای چهل میلیون نفر از ایرانی‌ها را به مجرم و قانون شکن تبدیل کرد. تا امروز که با طرح‌هایی مثل طرح صیانت که از بدو تولد شکسته خورده هستند به مقابله با خواست عموم مردم قد علم می‌کنیم. قبح قانون شکنی امروز بیشتر از همیشه شکسته شده است و وقتی قانون برای کسی ارزشی نداشت، دیگر سنگ روی سنگ بند می‌شود؟ بدبختی این است که از اشتباهات گذشته درس و عبرت هم نمی‌گیریم و همان اشتباهات را بارها و بارها تکرار می‌کنیم. اگر دیدیم ممنوعیت ویدیو و بعدتر ماهواره جواب نداد، اگر دیدیم اجبار حجاب جواب نداد، اگر دیدیم فیلترینگ تلگرام جواب نداد، چرا اصرار داریم باز قانونی مثل طرح صیانت را به تصویب برسانیم؟ قانونی که می‌دانیم قابل اجرا نیست و تا امروز حتماً باید دریافته باشیم که با خواست عموم مردم نمی‌شود مقابله کرد، اگر قانون بر اساس خواسته‌ی اکثریت ملت نباشد، هیچ وقت در اجرای آن قانون توفیقی حاصل نمی‌شود. هر وقت قانونی برخلاف خواسته‌ی ملت تصویب شد، این قانون بود که خرد شد و زیر پا گذاشته شد و این ساحت قانون بود که خدشه‌دار شد. این متن در اصل قرار بود نقدی بر طرح صیانت باشد، ولی چون در روزهای نگارش متنی که در حال خواندنش هستید، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی طرح صیانت را مغایر با قانون اساسی دانست و ایرادات فراوانی به آن وارد کرد و طرح فعلاً قرار است مورد بازنگری قرار بگیرد، نگارنده هم با خود گفت نقد چیزی که شاید تصویب آن به این شکل از دستور کار خارج شده مفید نباشد. بنابراین هسته‌ی اصلی بحث را به توسعه‌ی اینترنت اختصاص داد. به عنوان سخن پایانی بگویم که ای کاش بعد از چهار دهه حکمرانی بالاخره یاد بگیریم که صاحبان اصلی این مملکت، این ملت هستند و عمل برخلاف خواسته‌ی آن‌ها محکوم به شکست است، نه فوراً ولی حتماً!



## ماشه‌ی اعتراضات

چگونه حذف یارانه ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌تواند منجر به شکل‌گیری اعتراضات اجتماعی شود؟ | عرفان خیرخواه

وضعیت اقتصاد ایران چندین دهه است که شاهد تورم‌های دورقمی بوده که این آمار به لحاظ سنجش‌های کارشناسانه نشان از وخیم بودن اوضاع اقتصادی و سطح زندگی و قدرت خرید مردم آن کشور دارد. این تورم‌های دو رقمی چندین ساله نتیجه سیاست‌گذاری‌های اشتباهی بوده است که دولت‌های مختلف در شکل‌گیری و تداوم آن نقش داشتند.

وقتی صحبت از تورم‌های بالا می‌کنیم باید به یکی از مولفه‌های مهم که در دامن زدن و پررنگ‌تر شدن تورم نقش بسزایی دارد اشاره کنیم: کسری بودجه.

**دولت‌ها برای جبران کسری بودجه خود دست به اقدامات مختلفی می‌زنند. نظیر چاپ پول و خلق نقدینگی که سبب افزایش تورم و گران‌تر شدن کالاها و خدمات می‌گردد یا اقدامات دیگری مانند حذف یا کاهش یارانه‌های مختلف که سبب افزایش قیمت‌ان محصول می‌شود؛ مانند کاهش یارانه بنزین در آبان ۹۸ که سبب ۳ برابر شدن قیمت بنزین شد.**

این روزها نیز خبر حذف یک یارانه مهم و تاثیرگذار در زندگی مردم توسط دولت سیزدهم به گوش می‌رسد، حذف یارانه ارز ۴۲۰۰ تومانی که برای اقلام ضروری و کنترل قیمت کالاهای اساسی تخصیص داده شده بود. البته این جا دلیل حذف این یارانه را نه کسری بودجه بلکه فسادزا بودن و عدم بهره مندی مردم از مواهب آن بر می‌شمارند که هردو دلیل ناموجه می‌باشد. درست است که عده‌ای با دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی کالای ضروری وارد نکرده و از مابه التفاوت فروش آن در بازار یا واردات کالای غیر ضروری سود برده‌اند؛ اما اولاً تمام یارانه ارز ۴۲۰۰ اینگونه مصرف نشده و در مواردی مانند کنترل قیمت برنج، شکر، روغن، چای و ... موثر بوده است. افزایش قیمت‌هایی هم که در این کالاها مشاهده می‌شود، بخشی از آن ناشی از افزایش جهانی قیمت این اقلام می‌باشد که اگر ارز ۴۲۰۰ به آنها تخصیص داده نمی‌شد، قیمت‌ها فراتر از این می‌شد کم‌اینکه حذف یارانه برنج و افزایش قیمت آن گواهی بر این مدعاست. ثانیاً هزینه‌ی عدم نظارت و حسابرسی به چگونگی مصرف این ارز تخصیص یافته را باید مردم بپردازند؟ این چه سیاست ناکارآمد و مردم ستیزانه‌ای است که بجای حساب‌کشی از نهادهای نظارتی و بکارگیری آنها جهت جلوگیری از فساد قلمداد شده، یارانه‌ی ضروری اقشار مردم را حذف نماییم؟ از طرفی این طور عنوان می‌شود که یارانه ارز ۴۲۰۰ حذف نخواهد شد و دولت درآمدی که از این طریق کسب خواهد کرد را با یارانه مستقیم ۱۱۰ هزار تومانی به مردم پرداخت خواهد کرد. در حالی که اگر میزان یارانه ارز ۴۲۰۰ را همانند امسال ۸ میلیارد دلار در نظر بگیریم اختصاص یارانه ۱۱۰ هزار تومانی به ۶۰ میلیون نفر سالانه مبلغی حدود ۸۰ هزار میلیارد را شامل می‌شود؛ این در حالی است که درآمد دولت از فروش این میزان ارز حدود ۲۴۰ هزار میلیارد است که مابه‌التفاوت آن یعنی ۱۶۰ هزار میلیارد عاید دولت می‌شود. پس روشن است که جبران تورم ناشی از حذف یارانه ارز ۴۲۰۰ با یارانه نقدی ۱۱۰ هزار تومانی امکان پذیر نخواهد بود و جامعه دچار تلاطم قیمت‌های بازار خواهد شد.

پرواضح است که سیستم اقتصادی ما نیاز به اصلاح و بازبینی‌هایی دارد. اما بازنگری‌هایی که باید ما را به عدالت نزدیک‌تر کند نه اینکه بر شکاف و وضعیت نابسامان فعلی طبقات فرودست دامن زده و فشار بیشتری را بر آنان متحمل‌کند.

رئیس جمهور در جلسه‌ای که با اقتصاد دانان پیرامون مشورت درباره‌ی حذف یا ادامه تخصیص ارز ۴۲۰۰ برگزار کرده بود نظرات آنان را جویا شده و باخبر است که چنین

تصمیمی چه تبعات سنگین و ناگواری برای جامعه می‌تواند داشته باشد. به عنوان نمونه آقای دکتر داوود دانش جعفری در آن جلسه چنین عنوان کرده است. حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی در قالب سیاست‌های آزادسازی می‌گنجد و هدف سیاست‌های آزادسازی دستیابی به کارایی است، نه عدالت؛ لذا تصمیم‌گیری در این خصوص مغایر با گفتمان دولت در خصوص عدالت است. همچنین اگر معضل فعلی دولت در اضطرار برای حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی کسری بودجه است، این هدف با بازنگری جامع بودجه قابل حصول است.

بقیه اقتصاددان‌های حاضر در جلسه نیز هر کدام موضعی در این راستا داشته و نسبت به حذف ارز ۴۲۰۰ هشدار داده و خطرات آن را گوشزد کرده‌اند. حال انتظار می‌رود مجموعه دولت و تیم اقتصادی آن با در نظر گرفتن اظهارات کارشناسان این امر و ملاحظات موجود در وضعیت جامعه و فشار سختی که بر گرده‌ی مردم است را درک نموده و از اعمال فشار مضاعف بر طبقات محروم و مستضعف جامعه خودداری نماید.

**تجربه‌ی افزایش ناگهانی قیمت‌ها و شوک‌های ارزی که در سال‌های اخیر اتفاق افتاده پیش‌روی ما است، که منجر به حوادثی مانند ذی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ گردید که علاوه بر افزایش دشواری‌های زندگی مردم و کوچک‌تر شدن سفره‌انان، نارضايتی‌های عمومی و اعتراضات خیابانی را منجر شد که خودان هم منجر به کاهش اعتماد عمومی و سرخوردگی اجتماعی گردید.**

با در نظر گرفتن کلیه شرایط و تجاربی که پیش روی ماست می‌توان گفت اعمال یک شوک اقتصادی جدید می‌تواند به مثابه ماشه‌ی اعتراضات عمومی و افزایش نارضايتی اجتماعی عمل کند و کشور و زندگی روزمره مردم را با یک بحران جدیدی روبرو کند که می‌تواند منجر به تکرار اتفاقات تلخ گذشته گردد.

حال آن‌که دولت راهکارهای دیگری نیز برای تامین کمبود منابع مالی، اصلاح نظام اقتصادی و کنترل تورم می‌تواند اتخاذ کند. به عنوان نمونه کارشناسان یکی از اصلی‌ترین دلایل افزایش تورم و نقدینگی را اختیار بانک‌ها بخصوص بانک‌های خصوصی در خلق پول، تخصیص وام‌های کلان به اطرافیان و شرکت‌های زیرمجموعه خود می‌دانند که دولت می‌تواند با سیاست‌گذاری‌های جدید دامنه این اراده را محدود نموده و بصورت تدریجی نقش آسیب‌زننده آن‌ها را مهار نماید.

یابه عنوان مثال متوسط پرداختی دولت به کارکنان را اگر ماهیانه ۱۴ میلیون تومان در نظر بگیریم، در این شرایط جنگ اقتصادی و فشار تحریم‌ها با ثابت نگه داشتن همین حقوق پرداختی طبق گفته کارشناسان، دولت می‌توانست ۱۲۴ هزار میلیارد در هزینه‌های خود صرفه جویی کند که طبیعتاً می‌توانست نارضايتی بخشی از کارکنان خود را بدنبال داشته باشد، اما سیاست یعنی همین ترجیح بخشی از اقشار جامعه و اولویت دادن گروهی به گروه دیگر و باید دید که انتخاب دولت برای تامین منابع مورد نیاز خود و محروم کردن نسبی بخشی از جامعه کدام گروه‌ها خواهد بود؟ اقشار متوسط و کم درآمد مردم یا طبقات اقتصادی بالاتر؟

مضاف بر اینها تصور جبران کسری بودجه از طریق آزادسازی قیمت‌ها و کاهش یارانه‌ها نیز واقع بینانه نبوده و ثمربخش نخواهد بود. چرا که خود دولت در دستگاه‌های زیرمجموعه خود مصرف‌کننده همین کالاهای اساسی خواهد بود و با افزایش قیمت آن‌ها هزینه‌های دولت نیز افزایش خواهد یافت.



## پشتوانه قانونی اعتراضات در قانون اساسی

۲ خرداد ۷۶ تا ۲۴ آبان ۹۸ | مصاحبه محمد قادری با دکتر احمد علیرضایی

و سوء مدیریت صورت گرفته. تمامی مردم حق دارند با رعایت مصالح، اعتراض خود را بیان کنند و به گوش مسئولین برسارند. انشالله این قانونی که تصویب می شود در واقع ظرفیتی ایجاد می کند که هم مسئولین تکلیف خودشان را بدانند و هم گروه های مختلف مردم.

**آقای بیگی در ارتباط با قانونی که اشاره کردید، چرا در طول این چند دهه این شیوه توسط حاکمیت پیش بینی نشده است و این فکر وجود نداشته است که راه حلی در این مورد اندیشیده شود تا جلوی مانع تراشی هادرمقابل اعتراضات گرفته شود؟**

مایک دوره ای را سپری کردیم. مثلاً ما تا سال ۷۶ اساساً فکر نمی کردیم مردم نسبت به آنچه که در اداره کشور می گذرد مثلاً متعرض باشند. یعنی تصور کلی این بود که دولت و نظام و مردم یک فکر را می کنند. اما دوم خرداد سال ۷۶ نشان داد اینطور نیست و مردم دارند جور دیگری فکری کنند و آن زمان سرآغاز تحولات در سازوکارهای اداری و سیاسی کشور شد.

شما اگر سال ۱۴۰۰ را با سال ۱۳۷۶ مقایسه کنید خیلی تفاوت ها صورت گرفته. آن زمان برخورد های سلیقه ای زیاد بود. الان ما در مقطعی قرار گرفته ایم که نیازمند استانداردهای سازی رفتارها هستیم. باید رفتار حاکمان با مردم و برعکس استاندارد باشد و مجریان قانون و مردم نیز همینطور. برای چه ما روی شفافیت تاکید و پافشاری می کنیم. و برای چه پلیس جمهوری اسلامی مصر هست برای مأموران خود دوربین نصب کند و حتماً از دوربین استفاده کنند. برای این که بتواند نوع برخورد مأمورین خود با مردم را ارزیابی کند و یا بتواند با استفاده از آن دوربین از مأمور خودش دفاع کند یا بتواند به تخلف مأمور خودش رسیدگی کند.

در جمهوری اسلامی ایران اینها بعنوان ضرورت، احساس نیاز می شود. مثلاً ما اگر در شهری که به هیچ عنوان ترافیکی وجود ندارد، سر هر تقاطع یک چراغ راهنمایی نصب کنیم و یک دقیقه پشت این چراغ بایستیم در حالی که در آن شهر ترافیکی وجود ندارد، شما احساس می کنید این چراغ راهنمایی مزاحم است و برای چه این چراغ را نصب کرده اند؟!

ولی شما در ترافیک شلوغ تهران که همه ماشین ها در هم تنیده است و تقدم ها مراعات نشده و خیابان یا بزرگراه

**جناب بیگی اجازه دهید مصاحبه را با این سوال شروع کنیم که دیدگاه شما به عنوان نماینده مردم در مجلس در مورد اعتراضات مردم به خاطر علل مختلف اعم از آرب و بنزین و اعتراضات اخیر معلمان چه هست؟ و شما به عنوان یک سیاستمدار آیا امیدوار به از بین رفتن علل این اعتراضات هستید؟**

اساساً اصل ۲۷ قانون اساسی تجمعات را به رسمیت شناخته و برای آن آزادی قائل شده است. و تنها محدودیتی که برای آن در نظر گرفته است این است که محل به میانی اسلام و مسلحانه نباشد. در مابقی موارد طبق اصل مذکور و شرط های ذکر شده آزاد شناخته است.

این نشان دهندهی آن است که زمان انقلاب، مجلس مؤسسان و قانون گذاران جمهوری اسلامی ایران به واقع اعتراض را حق مردم می دانستند و در اسناد مربوط به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی آمده است که انقلاب اسلامی محصول اعتراضات و اجتماعات بوده که نتیجه ی آن پیروزی انقلاب اسلامی شده است.

**به سبب غفلتی که در طول چهاردهه انقلاب اسلامی صورت گرفته ما در مورد تجمعات و اجتماعات قانون مدونی نداریم.**

در حالیکه برای عموم اصول قانون اساسی قانون داریم که چگونگی اجرای آن را تعیین می کند - مثل اصل ۴۹ قانون اساسی - اما در مورد اصل ۲۷ ما چیز مدونی نداریم. بخش قابل توجهی از اجتماعات را هم اجتماعات صنفی، کارگری و محلی تشکیل می دهد و شاید کمترین اعتراضات سیاسی باشد.

اما عملاً ما در این چهاردهه و در مورد این اصل، قانونی نداشته ایم و این موضوع در دستور کار کمیسیون امور داخلی و شوراهای هست و بنده عضو کارگروهی هستم که برای اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی تشکیل شده است و الان در حال تهیه پیش نویس هستیم. این پیش نویس به صحن کمیسیون خواهد رفت و بعد از آن به صحن علنی مجلس خواهد رفت.

تهیه این قانون برای اجرای اصل ۲۷ باعث می شود که اجتماع کنندگان و مأموران نظم، تکالیف خودشان را بدانند و در نهایت قضات شیوه چگونگی برخورد با متخلفین را بدانند و بر مبنای قانون مجلس تشخیص بدهند و تعیین کيفر کنند.

**وقتی که ما در فقدان قانون اجتماعات هستیم، هم مأمور اجرای قانون تکلیف مشخص و آشکار نیست و هم مردمی که می خواهند بیایند و اعتراض کنند تکلیفشان مشخص نیست. نتیجه اش می شود حادثه ۲۴ آبان ۱۳۹۸.**

مردمانی که در این حادثه معترض به افزایش قیمت بنزین بودند و بر مبنای اصل ۲۷ قانون اساسی هم حق اعتراض داشتند ولی دستگاه وزارت کشور که مسئولیت امنیت کشور را بر عهده دارد شیوه اینکه که چطور با معترضان برخورد شود نمی داند و بر حسب آمارهای رسمی نزدیک ۲۰۰ الی ۳۰۰ نفر شهید شدند و چندین هزار نفر مجروح شدند که بخشی از کشته شدگان شهید و بخشی از مجروحین جانباز نام گرفتند.

پس این مسئله نشانگر این است که دستگاه امنیت داخلی ما در تشخیص چگونگی برخورد با معترضان با یک بلاتکلیفی مواجه است و نظام هم به واسطه این بلاتکلیفی ها خسارت های جبران ناپذیری را پرداخت می کند. خوب آیا این اعتراض که ممکن است صنفی، کارگری، محلی، منطقه ای و اعتراض به نارسایی ها باشد، آیا این اعتراضات نیاز به مجوز دارد؟! در یک کلمه نه؛ قانون اصلاً محدود به مجوز نیست.

دولت آقای روحانی در سال ۱۳۹۷ یک آیین نامه ای را تصویب کرد که محل هایی در تهران برای معترضین مشخص کردند و گفتند مردم می توانند در آنجا اجتماع کنند و با کسب مجوز مثلاً اعتراض خودشان را بیان کنند و دیوان عدالت اداری همین مصوبه را به واسطه اینکه با قانون اساسی مغایر بود و آزادی های مردم را محدود کرده بود لغو کرد.

این نشان دهندهی آن است که شما نمی توانید برای اعتراض مردم قید و بند قائل شوید یا مجوز بدهید. خوب پس اجتماعات مجوز محور نمی تواند باشد، بلکه اطلاع محور باید باشند و ما این قضیه را در مجلس دنبال می کنیم که به واسطه ی تهیه قانون مناسب در جهت اجرای اصل ۲۷ قانون اساسی مأمورین وظایف خودشان را بدانند و بر این مبنا حرکت می کنیم. کسانی که به اعتراض نیاز دارند محل و زمان اعتراض خودشان را در یک سامانه ای اطلاع می دهند و رئیس شورای تامین استان ها نیازی می بینند و برای امنیت - که می گویم بر هر چیزی مقدم است - محل نباشد. در صورت مخالفت، فرماندار ظرف ۳ یا ۴ روز فرصت دارد دلایل مخالفت را با تاکید بر قانون، ذکر کند و در یک دادگاه تشخیص داده می شود که آیا تشخیص فرماندار به عنوان شورای تامین درست بوده است یا خیر؟! هر چه دادگاه رای بدهد آن قابلیت اجرا خواهد داشت.

الان در کشور ما اعتراضاتی وجود دارد مانند اعتراضات کارگری هفت تپه که چند ماه است حقوقشان را دریافت نکرده اند یا اعتراضات مردم خوزستان بعلت بحران آب



قفل شده، احساس می کنید چقدر خوب بود یک چراغ راهنمایی بود که نوبت بندی می کرد. این موضوعات به تدریج دارد ضرورت و نیاز به آن ها حس می شود و ما به این نگاه دست یافته ایم که رفتار حاکمیت باید رفتار استانداردی با مردم باشد.

**جناب بیگی شما فکر نمی کنید که نگاه حاکمیت نسبت به مردم تغییر کرده است؟ بطوری که در اوایل انقلاب اسلامی، آمدن مردم به خیابان ها غالباً مورد تایید مقامات بود و در هر چالشی اعم از استکبار و جریان های مشکل زای داخلی، از حضور مردم و اعتراض مردم در خیابان ها استقبال می شد اما در حال حاضر، حضور مردم در خیابان ها یک احساس خطری برای حاکمیت تلقی می شود. به نظر شما علت تغییر در نگاه حاکمیت چیست؟**

ما به یک مرحله ای رسیدیم که البته نقطه ی باز آن انتخابات ریاست جمهوری امسال بود. متأسفانه دبیر شورای نگهبان و سخنگوی شورای نگهبان اعلام کردند اساساً مردم بیایند رای بدهند یا ندهند مهم نیست. لطمه ای به انتخابات نمی زند. و یا کسی مثل آقای طائب آمدند صحبت کردند که یکبار معلوم بشود اینها چه می گویند و مردم چه می گویند.

این در واقع یک نقطه ی حساس از تاریخ به شمار می رود که همین نوع مواجهه با مردم سبب می شود که بگویم مردم نادیده گرفته شده اند. و یک انتخاباتی برگزار کردیم با مشارکت ۴۸ درصدی و ۵۲ درصد عدم مشارکت. اینها موضوعات حساسی از حیات انقلاب اسلامی هستند که نمی توانیم خودمان را فریب بدهیم که هیچ مشکل نبوده. ما در شهرهای بزرگ مواجهیم با مشارکت بسیار پایین مردم در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری. و این گسست نقطه ای است که دشمن می تواند روی آن متمرکز بشود و موج سواری کند.

ما هر چقدر هم بگویم خبری نبوده؛ نه خبری بوده. باید هم روی آن چاره اندیشی کنیم. مردم در اصل و اساس، پشتیبان انقلاب اسلامی و نظام اسلامی هستند. ولی این شیوه ها، رفتارهایی هستند که سبب گسترش این گسست می شود و روز به روز به آن افزوده می شود.

شما الان به رفتار مجلس در مورد طرح صیانت فضای مجازی نگاه کنید. فضای مجازی فضایی است که به مردم امکان می دهد مطلع بشوند و ارتباط بگیرند و نکته نظرات



تأخیر ایستادیم دزد، آزاد کارگر زندانی

گفته شود. بسیاری از فسادها و فجایعی که رخ داده، اول در فضای مجازی منتشر شده بعد توانستیم پیگیری کنیم و متوجه بشویم که خبرهایی بوده است. مثل موضوع زندان اوین که اخیراً ویدئوهای آن در فضای مجازی پخش شد. بالاخره این ویدئوها نشان داد با محبوسین و کسانی که دستشان به هیچ جا نمی رسد و اسیر مأمورین زندان هستند، چگونه رفتار می شود. ولی اگر این فضای مجازی نبود آیا امکان انتشار داشت؟!

یا این سرقت ها و چپاول هایی که مدام دارد از بیت المال صورت می گیرد، منتشر می شود و مردم در نسبت با این قضایا هوشیار می شوند. فضای مجازی برای خودش قدرتی شده است.

**فضای مجازی مانع شد از این که رئیس جمهور سابق، داماد خودش را معاون وزیر صنعت بگذارد و یا این که شهردار فعلی تهران دامادش را به عنوان مشاورش انتصاب کند.**

همه اینها قدرت این فضا را نشان می دهد. این طرح می خواهد جلوی این ها را بگیرد و امکانی است که به عنوان ابزاری برای مدیریت جامعه استفاده شود.

وقتی طرح صیانت را بعضی از نمایندگان کلید می زنند خوب چه تأثیراتی نامناسبی در فضای عمومی جامعه ما می گذارد؟ هم به جهت سیاسی و هم به جهت اقتصادی آن. ما فضای مجازی را مثل اکسیژن می دانیم که امواج صوتی و صحبت هایی که من می کنم و شما می فرمایید سوار بر مولکول های هوا به گوش مخاطب می رسد. این فضای مجازی در واقع نقش مولکول های هوا را بازی می کند. خوب ما بیاییم مردم را از این امکان محروم کنیم که صدای همدیگر را بشنوند یا مسئولین را از شنیدن صدای مردم محروم کنیم. حال ما خوشبختیم از این جهت که بالاخره امروز مرکز پژوهش های مجلس آمد و یک نظر کارشناسی در مورد طرح صیانت داد. بندهای دقیقی بود که حکایت از این می کرد که این طرح صیانت طرح پخته و سنجیده ای نیست. عملاً با این نظریه کارشناسی که مرکز پژوهش های مجلس داد، طرح صیانت دیگر نمی تواند آن جایگاه را که با استفاده از اصل ۸۵ قانون اساسی در کمیسیون ویژه بررسی می شد داشته باشد و حتماً بایستی تجدید نظرهای اساسی در آن اتفاق بیافتد و جامع اندیشیده شود. خوب اینها موضوعاتی است که امروز اگر به درستی مواجهه صورت بگیرد می تواند سبب قوت و استحکام نظام جمهوری اسلامی ایران بشود و چسبندگی مردم را افزایش دهد و پشتوانه ملی را توسعه دهد. و اگر این نادیده گرفته شود حتماً ما نخواهیم توانست از نعمت مردم و همراهی توده های مردم بهره مند شویم.

**شما در نظر بگیرید شرایط موجود اقتصادی کشور را. دولت آقای رئیسی به درستی می داند که الان باید چه کار کند. کشور نیازمند یک عمل جراحی اقتصادی است. ولی مثل آن جراحی که مریض را جلوی چشم خوابانده اند و جراح هم می داند مشکل مریض چیست و می خواهد عمل جراحی را انجام دهد، و تمام فکرش معطوف به فک و فامیل مریض است که پشت در اتاق عمل اجتماع کردند که اگر من شکم این مریض را بستم، در اولین تب و لرزی که برای این مریض اتفاق افتاد فک و فامیل مریض به من امان نخواهند داد. چرا؟ چون به حاذق بودن و متبحر بودن جراح اعتماد چندانی ندارند. لذا ما این عمل جراحی را به تعویق می اندازیم. الان هم همین عمل جراحی به تعویق می افتد. چرا؟ چون بالاخره یک دولت مقتدر با بهره مندی از پشتوانه بالای مردم باید بتواند این کار را انجام دهد و این گسست سبب شده است که امروز دولت آقای رئیسی دست و بالش می لرزد.**

**جناب دکتر، به عنوان آخرین سوال، نظر شما در مورد این مسئله که در اعتراضات، عده ای کل معترضین را اغتشاشگر خطاب می کنند و تفکیکی میان اغتشاشگر و شهروند معترض قائل نیستند چیست؟**

به واسطه همین به اصطلاح فقدان قانون، این اتفاق می افتد. چون کسانی که می خواهند اعتراض بکنند، اگر در چارچوب قانون کشور باشد کسی حق تعدی به آنان را ندارند. کسی حق ندارند به آنان عنوان معاند و نفوذی بیگانه و... بگذارند. چون این قانونی نیست. و بعد هم تکلیف مردم، تکلیف مأمورین، تکلیف قضات و محاکم مشخص نیست. این سبب می شود که فجایعی مثل همین حادثه ۲۴ آبان ۹۸ پیش بیاید که بهترین جواب برای اینکه آن مردم حق داشتند این است که نظام جمهوری اسلامی ایران آن افرادی که کشته شدند را شهید شناخت.



## هشدار، انقلاب اسلامی در خطر است!

جمهوری اسلامی در گذرگاه ایگارشیک شدن | امیرعلی مختاری مرزرو

حکومتی که با ادعای داعیه‌داری بر جهان رو به موت اسلام، برای تجلی بخشیدن به روح مذهب شیعی، الگو شدن برای بشریت، برقراری عدالت و نیز ایجاد حکومتی دینی-اسلامی با ارزش‌های ناب محمدی (ص) و علوی (ع) به روی کار آمده بود، آیا خیانت نیست که مردم را از دایره مردم‌سالاری دینی حذف کرده و خاندان‌سالاری مشئوم و رانت‌خانوادگی را جایگزین آن نماید؟

**مردم‌سالاری دینی آرمان اولیه بزرگان و اولیای جمهوری اسلامی از سال‌های ماقبل انقلاب بوده و رسیدن به آن جز اهداف اصلی حکومت‌داری اسلامی محسوب می‌شد. با وقوع انقلاب و برقرار شدن ج.ا. در سال ۱۳۵۸، این آرمان تحت زعامت امام امت، حضرت روح‌الله (ره)، به‌پارنشسته و با انتخابات آزاد به منصفه ظهور درآمد.**



در اوایل انقلاب شاهد پیدایش شخصیت‌های گوناگون از دل مردم و با طیف‌های مختلف بودیم که گاهی حتی مقام‌های بسیار مهمی را، همانند شهید رجایی، به دست می‌آوردند. امام امت با اندیشه علوی (ع) خود، ملت

را نه نامحرم و بد ذات بلکه محرم خود می‌دانست و بارها ملت را ولی نعمت نظام جمهوری اسلامی خوانده بود. اما با گذر زمان و با نادیده گرفتن تاکیدات و بیانات امام امت و مقام معظم رهبری در مورد ارزش و جایگاه نهاد مردم در حکومت جمهوری اسلامی، این محرم و ولی نعمت نظام (مردم) از سوی برخی از خاندان‌ها و خانواده‌های سیاسی به نامحرم، توده، عوام، عامل دشمن و احساساتی‌های کم‌منطق تغییر نقش داده شدند. مردم‌بیزاری و نادوستی مردمان توسط عاشقان قدرت و مخالفان اوامر رهبری، در دل نظام مستضعفین گسترانده و بذر آن کاشته شد. رفته رفته با بسته شدن فضا برای حضور مردم در قدرت و انحصاری شدن درب ورود آن (قدرت) برای برخی خانواده‌ها و اغنیا، آن بذر تبدیل به نهال بالغ گردید و حال شاهد آن هستیم که آن نهال در حال تبدیل شدن به درختی است که فقط برای عده‌ای محدود سایه و ثمر دارد. نظامی که می‌خواست انقلاب محمدی (ص) خود را به سراسر جهان صادر کند و داعیه دار امت‌گرایی و بسط فقاقت سیاسی در جهان بود، حال به واسطه برخی انحرافات، مردم خود را از دخالت در حکومت و شرکت در حکمرانی سیاسی محروم ساخته است.

**با ظهور دولت اصلاحات، آن دوم خردادی‌هایی که تعلق خاطر به جریان وبند نهی اصلی آن نداشتند و هیچ نقشی در پیروزی نامزد و کاندیدای جریان پیروز در انتخابات ایفا نکرده بودند و تنها اشنایان و فامیل این وان بودند، ظهور کرده و سوار کرسی قدرت شدند و بر مردم حکم راندند. در دوران نتواصول‌گرایی سال‌های بعد از آن، شاهد ظهور طیف دیگری با همان سبک و سیاق، تنها ریشوترو و یقه بسته‌تر بودیم.**

همان آش بود و همان کاسه، انگار هر کسی ریشوترو، پیشانی‌ش سیاه‌تر، خانواده‌اش پرنفوذتر، منصبش بالاتر، چرخ در دوران اعتدال‌گرایی هم بر همین منوال چرخید و هر کسی که خود را بیشتر شبیه دیپلمات‌ها می‌کرد و به یک خاندان و خانواده‌ای وصل بود، منصبش تضمین و حقوقش نجومی بود. اما مردم کجای کار بودند؟ مردمی که دویست و اندی هزار جوان برای دفاع از وطن و این نظام داده بودند، در کجای این مسئله قرار داشتند؟ پاسخ یک کلمه است، مردم آن زمان در حال جنگ با غول تحریم، بی‌پولی و فقر، تبعیض و صدها غول دیگر بودند تا این وطن و دین اسلام، تبدیل به ویرانه‌ای نشود و بتوانند سرپایماند.



مردمی که جلوی ظالمانه‌ترین تحریم‌ها کم‌نیاورند و در برهه‌های حساس، با شور و اشتیاق مثال‌زدنی و مشابه اوایل انقلاب به میدان‌ها و سر صندوق‌های رأی‌گیری می‌آمدند، حال حضوری در عرصه مشارکت سیاسی و کسب قدرت سیاسی ندارند. این حذف چنان لذتی در دندان‌گرگان لباس میش پوشیده ایجاد کرده است که حتی به آشکارا نماینده همین ملت با کمال گستاخی این حذف و قیحانه را به دوران پیامبر (ص) و سیره ائمه اطهار (ع) مربوط دانسته و این اقدام را با کمال بی‌شرمی بر حق و امری مرسوم در دوران نبی اکرم (ص) و شهید راه عدالت، امیرالمؤمنین (ع) می‌داند. این اظهارات گستاخانه و اقداماتی با چاشنی پروپی نجومی، زنگ هشدار است مبنی بر حرکت جمهوری اسلامی به سوی گذرگاه ایگارشیک شدن.

افلاطون، آن اندیشمند بزرگ یونان باستان، در کتاب جمهور خوبیش دولت‌ها را طبقه‌بندی نموده و برای هر برهه از آن طبقه‌بندی نامی ارائه می‌کند. در این طبقه‌بندی دومین جایگاه از لحاظ ظلم و ناشایستی از آن حکومت ایگارشیک است. اگر تعریفی مجمل و مختصر از حکومت ایگارشیک بدسیم، این حکومت حکومتی است که زعامت آن بر عهده عده‌ای خاص که به دنبال منافع شخصی خود هستند و برای عموم مردم ارزشی قرار نمی‌دهند، می‌باشد. این حکومت فاسد چرخه حکمرانی را محدود به چند خانواده، خاندان و نهاد خاص دانسته و مقابل جمهور ایستادگی کرده و آنان را مجازات می‌کند. بنیان حکومت در نظام ایگارشیک نه معنویات و نه نظر جمهوری‌مندی باشد، بلکه این ثروت و دارایی است که ستون اصلی حکومت ایگارشیک را شکل می‌دهد. حاکمان حکومت ایگارشیک از مردم روی می‌کشند و ثروت را مایه مشروعیت و اقتدار خود می‌دانند. اگر محوری برای این حکومت در نظر بگیریم، در انتهای یک‌سوی آن محور که همه چیز آن حکومت بدان ختم می‌شود، پول و نسب قرار دارد و در آن سوی و در انتهای محور که حکومت ایگارشیک هیچ ارزشی برای آن قائل نمی‌شود و چیزی شبیه تهی‌و‌پوچی است، مردم قرار دارند. بارو و دژی عظیم دور هسته اصلی قدرت کشیده می‌شود و ثروتمندان و اصل و نسب دارها، با ناعدالتی تمام قدرت را بین خود تقسیم می‌کنند و مردم عادی را از خود نمی‌دانند و آنها را از خود دور می‌کنند. این جامعه هیچ‌گاه به سوی

ملت شدن و ایجاد همبستگی مردمی نمی‌تواند حرکت کند و اگر جنگی صورت بپذیرد، مردم پشت آن حکومت ایگارشیک را خالی می‌گذارند. در این نوع نظام اختلاف طبقاتی روز به روز اوج می‌گیرد و فاصله فقیر و غنی به مثابه فاصله سماوات تا راض می‌باشد. به دلیل بسته بودن فضا، استعدادها در آن تباه شده و افراد ناشایست، تنها به خاطر ارتباط خانوادگی و ثروت زیاد، در مناصب مختلف استخدام شده و شروع به کار می‌کنند. در نهایت در نظر افلاطون و شاگردش ارسطو، این حکومت دیر یا زود محکوم به سقوط است و در آخر سقوط خواهد کرد.

جمهوری اسلامی تنها و تنها با برگشت به مردم و سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) است که می‌تواند از این گذرگاه دور شده و به سمت مردم‌سالاری دینی گام بردارد؛ چنان که حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) در نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک‌اشتر سفارش می‌کند که از مردم رویگردان نشود و همیشه از آنان مشورت بگیرد و در کارهای مهم از آنها کمک خواسته و برخلاف خواست خدا و عموم مردم اقدامی انجام ندهد، نزدیکان خود را در حکمرانی ولایت مصر دخالت ندهد و اجازه ندهد که خانواده‌اش از منصب او استفاده کرده و ثروتی را برای خود کسب نمایند. این راه علی (ع) است و برزنده‌ترین راه برای داعیه‌داران بیرق علوی (ع) و مدعیان برقراری مجدد حکومت علی (ع) پس از ۱۴۰۰ سال در ایران، ممر و راه این شهید عدالت (امیرالمؤمنین (ع)) است، نه راهی که حکومت اسلامی-شیعی ایران که در طی سال‌ها با خون دل مردم استوار مانده است را، به حکومت شبه ایگارشیک و حتی تمام ایگارشیک تبدیل می‌کند.



۱. افلاطون؛ جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، چاپ پنجم.
۲. بولادی، کمال؛ تاریخ اندیشه سیاسی در غرب (یونان باستان و سده‌های میانه)، تهران، مرکز، ۱۳۸۲، چاپ چهارم، جلد اول.
۳. خداوندان اندیشه سیاسی، مایکل بی، فاستر، جلد اول، ترجمه جواد شیخ‌الاسلامی.
۴. عالم، عبدالرحمن؛ تاریخ فلسفه سیاسی غرب (از آغاز تا پایان سده‌های میانه)، تهران، وزارت امور خارجه مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، چاپ نهم.
۵. کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم ابن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه ابن میثم، مترجم: قربانعلی محمدی قدم، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، جلد پنجم، نامه ۵۳ نهج البلاغه، صص ۳۶۶-۳۷۴

## چه لزومی برای افزایش جمعیت هست؟

طرح جوانی جمعیت در ترازی نقد | امیرحسین ریخته‌گر غیائی

با وجود اینکه این متن قرار است به موضوع طرح جوانی جمعیت بپردازد اما لازم است اول ذهنیت و دلیلی که موجب می‌شود چنین طرح‌های فاجعه‌باری در مجلس مطرح شود را بررسی کنیم. با وجود اینکه مجلس قبلی همواره دچار فساد و بی‌تحرکی و بی‌بخاری بود. اما حداقل چنین فجایعی از آن ساطع نمی‌شد.

**مجلس کنونی با شعار «انقلابی» روی کار آمد و با ناکارآمد خواندن دولت و مجلس سابق سعی کرد در طول دوران انتخابات برای خود اعتبار بخشی کند. با پولد کردن بحث فساد و عدم شفافیت دوره قبل این مجلس البته با مشارکت پایین مردم روی کار آمد. و طبیعتاً همانطور که انتظار می‌رفت به هیچ‌یک از وعده‌های خود تا به الان عمل نکرده.**

اما مسئله این است که اکنون که مجلس و دولت از جناح واحدی شکل گرفته تمامی نگاه‌ها به سوی آن‌هاست

تا وعده‌های که در طول انتخابات داشتند را عملی «نکنند»! برای همین هم مجلس و دولت برای دفاع از مواضع خود و متفاوت و چابک‌تر جلوه دادن خود در مقابل دولت و مجلس قبلی مجبورند هر راهکار غیرعملی، غیرعقلانی و حتی مضرو بر ضد منافع کشور را طرح کنند. دلیلش هم این است که یا قادر به ارائه راه حل واقعی نیستند و یا منافع شخصی و جناحی‌شان این اجازه را به آنها نمی‌دهد. مثلاً در بحث اقتصاد و توسعه با وجود بین بست‌هایی چون فساد، رانت بازی، تحریم و... که هر کدام به دلیل منفعت شخصی و یا غیره قابل حل نیست پس مجلس مجبور است طرح من درآوردی چون «جوانی جمعیت» را مطرح کند. که نه تنها راهکار درستی نیست بلکه مشکلات و فجایع مختلفی را درآینده به بار خواهد آورد.

حال برویم سر موضوع تیرتیر نوشته. مشکلات و خطرات احتمالی این طرح بارها و بارها توسط متخصصین مختلف از حوزه زنان، بهداشت و درمان تا کارشناسان اقتصادی مطرح شده. اما همانطور که در مقدمه هم اشاره کردم مجلس بر سر این طرح اصرار دارد تا جایی که

حدوداً ۱۲۰ هزار میلیارد ریال از بودجه سال ۱۴۰۱ به این طرح اختصاص داده شده. هر چند احتمالاً این طرح هم دچار سرنوشت صدها و هزاران طرحی شود که زمانی مطرح شد، کلی بودجه به آنها اختصاص داده شد و در آخر شکست خورد. اما حتی اگر درصد هم احتمال عملی شدنش وجود داشته باشد، لازم است هر چه در توانمان هست برای جلوگیری از فاجعه به کار بگیریم.

پدیده افزایش جمعیت تا قبل از دوران صنعتی روندی بسیار کند بوده است. با وجود انواع بیماری‌های لاعلاج و جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها و عوامل مرگبار طبیعی آمار مرگ و میر خصوصاً در بین کم سن و سالان بسیار زیاد بود. به طوری که معمولاً در هر خانواده ۵ یا ۶ فرزند احتمالاً فقط ۲ یا ۳ فرزند زنده می‌ماند. وقتی دوران صنعتی آغاز شد و علم پزشکی پیشرفت چشمگیری پیدا کرد آمار مرگ و میر هم به شدت کاهش یافت و باعث شد جمعیت به طور سرسام‌آوری در کشورهایی که به نوبت توسعه می‌یافتند افزایش یابد. تا اینکه امروزه در کشورهای توسعه‌یافته معمولاً ۲ یا ۳ فرزند در هر خانواده وجود دارد که وضع را از نظر رشد جمعیت به قبل از دوران صنعتی برمی‌گرداند. البته لازم است اشاره کنیم که در برخی کشورها مثل ژاپن رشد جمعیت منفی است. اما در کل استانداردی که از نظر جهانی برای نرخ رشد جمعیت مطرح است، ۲.۱ فرزند برای هر خانواده است که برای رشد و ثبات اقتصادی و حفظ

منابع طبیعی لازم است. کج فهمی‌ها و اشتباهات فراوانی حول این بحث وجود دارد. مثلاً اینکه در برخی از کشورهای غربی تبلیغات و امتیازات متعددی برای بالا بردن نرخ رشد جمعیت در نظر گرفته شده. پس چرا ما نباید همین کار را در کشور خودمان انجام دهیم؟ پاسخ ساده است، همانطور که در بالا اشاره شد برخی کشورها مثل ژاپن یا کشورهای عضو اتحادیه اروپا دچار معضل کاهش جمعیت هستند و برای تضمین نیروی کار آینده از روش‌های متعددی استفاده می‌کنند. برخی از این کشورها سعی می‌کنند با تبلیغات و تشویق اقتصادی خانواده‌ها این کمبود را جبران کنند در حالی که اتفاقاً چندان نتیجه‌ای نگرفته‌اند و برای همین به مهاجر پذیری روی آورده‌اند.

**مثلاً سوئد با اینکه امتیازات رفاهی ویژه‌ای را برای خانواده‌هایی با فرزند جدید در نظر گرفته اما در طی این سال‌ها در هر خانواده به طور متوسط ۱.۶ فرزند متولد می‌شود که با استانداردها ۲.۱ فاصله بسیاری دارد. اتفاقاً این نرخ در کشور ما ۲.۱۵ فرزند به طور متوسط در هر خانواده است که اتفاقاً بسیار ایده‌آل است و باید وضعیت راه‌مین طور حفظ کرد.**

کودکان معلولی به دنیا بیایند که مجبور باشند کل زندگی شان را در رنج و سختی بگذرانند و علاوه بر آن هزینه ای هم برای دولت جهت مراقبت و رسیدگی به آنها ایجاد کند؟ ما هر چقدر هم بخواهیم جامعه را پاک نگه داریم باز هم در گوشه های تاریخ اتفاقات و ناهنجاری هایی اتفاق خواهد افتاد. بند هایی از این طرح همچون محدودیت اقلام بهداشتی باعث خواهد شد که این گوشه های تاریخ بر کل جامعه تاثیر بگذارد و فجایع اخلاقی زیادی را در کف جامعه ایجاد خواهد کرد.

### مجلس فعلی باقیمشده پشت عنوانی همچون انقلابی و ولایی سعی دارد روی اشتباهات خود سرپوش بگذارد.

اما این وظیفه امثال ماست تا هر آنچه از دستمان برمی آید انجام دهیم تا جلوی این افراد ریاکار و فاسد بایستیم. من هر چند ممکن است سواد و تخصص لازم را در این مورد نداشته باشم اما سعی کردم نکاتی را که به نظر مهم و حیاتی است گوشه زد کنم.

بارگذاری هایی که افزایش پیدا می کند معمولا در پایین دست همه ی تالاب های ما خشک شده اند. یک مثال بارز دریاچه ارومیه است که ۷۲ عدد سد روی این دریاچه زده شده است. در واقع باعث شده که دریاچه را عملا از دست بدهیم و خیلی جاها این خشک شدن بستر تالاب ها یکی از عوامل اصلی و مهم ترین عامل افزایش چشمه های تولید گرد و خاک است. تخمین زده می شود که یک میلیارد تن از این دو میلیارد تن در اثر پدیده گرد و غبار و ریزگردها در حال جابه جایی است و ما این پدیده را در اغلب کلان شهرها از جمله تبریز، تهران، اصفهان دیده ایم.

**در مورد آب هم، مصرف آب در بخش کشاورزی مهمترین عامل هدر رفت آب در کشور محسوب می شود. بین ۸۰ تا ۹۰ درصد کل آب در کشاورزی مصرف می شود. در صورتی که غذایی که از این مقدار آب ایجاد می شود بین یک سوم تا یک چهارم میانگین جهانی است.**

یعنی ما در بخش کشاورزی ۳ تا ۴ برابر بیشتر از میانگین های جهانی در حال مصرف آب هستیم در حالی که همین الان در حدود ۳۵ میلیون تن دورریز غذا داریم. این ها همه دست به دست هم می دهند تا مصرف آب در ایران خیلی بیشتر از استانداردها باشد. ما نتوانستیم آن ۴۰ درصدی که حداقل به عنوان حق آب محیط زیستی برای حفظ ذخایر سفره های زیرزمینی و حیات دائمی رودخانه ها لازم داریم، اختصاص دهیم و این خودش باعث بحران جدی تر در این حوزه شده است.

در مورد مسئله آب با توجه به اینکه ایران در حالت کلی کشوری خشک تلقی می شود. آیا شما کشاورزی را به طور کلی در این منطقه جغرافیایی به ضرر منابع کشاورزی دانید و آیا کشاورزی که به نوعی با استقلال غذایی ما هم در ارتباط است چطور می شود این تعادل را حفظ کرد؟

کشاورزی حتما و باید در کشور باقی بماند و می توانیم با ارتقای نرم افزاری بخش کشاورزی دست کم محصولات استراتژیک خودمان مثل گندم، جو، برنج و ذرت را تامین کنیم. اتفاقی که باید در بخش کشاورزی ما بیافتد این است که سیستم کشاورزی باید بروز شود. بنابراین مسئله ما تعطیلی کشاورزی نیست بلکه مسئله ارتقای نرم افزاری بخش کشاورزی است. باید مابعات را که الان در حدود ۳۰ درصد است به کمتر از ۵ درصد که نرم جهانی است کاهش دهیم.

آیا کارآمد شدن در کشاورزی در مورد همه ی محصولات صدق می کند؟ به عنوان مثال در مورد کاشت هندوانه، سبب زمینی و صادرات آن ها.

نکته اصلی این است که کشوری که دچار کمبود آب است نباید فکر کند با صادرات آب می تواند درآمد به دست بیاورد. یک تفکر الان در بخش کشاورزی ما و به طور کلی بخش سنتی حاکمیتی ما وجود دارد که هر چقدر بتوانیم از زمین محصول به دست بیاوریم و آن را صادر کنیم، در واقع به محصولات غیر نفتی اضافه کرده ایم و باعث نزدیک شدن به خودکفایی شده ایم. این بسیار خطرناک است، یعنی انتظاری که باید از بخش کشاورزی داشته باشیم باید متناسب با توانمندی های اکولوژیکی سرزمین مان باشد. باید به سمتی بروم که بخش قابل توجهی از نیاز غذایی مردم مان را با ارتقای نرم افزاری بخش کشاورزی در داخل تولید کنیم اما صادرات کردن محصولات کشاورزی یک حماقت بزرگ است. من صادرات محصولات کشاورزی را حراج آینده این کشوری دانم.

با توجه به منابع مالی موجود و همچنین توانمندی اکولوژیکی ما، آیا امکان کارآمد شدن بخش کشاورزی وجود دارد؟



هنوز برای همه مردم تامین نیست، حرف زدن از افزایش جمعیت جای سوال دارد. علاوه بر اینها بحث های جدی روی مشکلات اجتماعی و بهداشتی که این طرح ایجاد خواهد کرد وجود دارد. از



## ما و بحران زیست محیطی

گزارش جلسه پنجم تحکیم اندیشه با ارائه محمد درویش اصبا قدس

در کشورمان زیاد است. به خصوص که عمدتا مساحت اصلی کشور ما بین ۲۵ تا ۴۰ درجه نیم کره شمالی قرار گرفته است و اصطلاحا از این نوار به عنوان کمربند خشک جهان یاد می کنند. یعنی بخش بزرگی از سرزمین برهنه است و حفاظی به نام پوشش گیاهی و رویش جنگلی ندارد. ما کمتر از ۷ درصد خاک مان جنگل دارد و بنابراین بسیار مستعد فرسایش هستیم.

همچنین یکی از مواردی هم که این مسئله را تشدید می کند؛ ما بالاترین نرخ تغییر کاربری اراضی را در منطقه داریم. آمارهای رسمی حکایت از این دارد که در طول دو هفته ای اخیر ۲ میلیون هکتار از عرصه های منابع طبیعی ما قانون تغییر کاربری داده اند و تقریبا ۲ برابر این رقم هم غیر قانونی تغییر کاربری پیدا کرده و به این ترتیب میزان برهنگی خاک افزایش پیدا می کند، تفاوت های شب و روز افزایش می یابد و ظرفیت گرمایی کاهش پیدا می کند.

همه ی این عوامل سبب شده که میزان فرسایش خاک افزایش یابد. در مورد فرسایش بادی هم با توجه به سدسازی های بی رویه در بالادست حوضه ی آبریز و

مورد چهارم بحث تنوع زیستی است. ما کشوری هستیم در طول یک قرن اخیر که دست کم دو گونه اصلی جانوری را از دست داده ایم. زمان لازم برای احیای یک گونه ی جانوری که در حد پرچم است، دو میلیون سال می باشد. و این هم تنها در شرایطی رخ می دهد که زیستگاه دوباره به شرایط آرمانی خودش برگردد که احتمالش بسیار ضعیف است. پس اگر بخواهیم به طور خلاصه به سوال شما پاسخ دهیم، ما سال هاست که از مرز بحران محیط زیست عبور کرده ایم.

عمده دلایل مصرف و از بین بردن و هدر رفت آب و خاک ما در ایران به چه صورتی است؟ خاک چگونه مصرف می شود و از بین می رود؟ و این حجم آبی که ما از دست می دهیم در کدام حوزه است؟

ما از نظر ساختارهای زمین شناسی یک کشور جوان محسوب می شویم و کوهستان های پر شیب زیادی در کشور ما وجود دارد. حساسیت و آسیب پذیری نسبت به جریان خاکریزی و جابه جایی خاک به صورت طبیعی



افزایش جمعیت بازی نیست که هر کشوی امتیاز بیشتری کسب کند برنده است! هر کشوری متناسب با نیازها، امکانات و منابع موجود باید به یک نرخ رشد متعادل و آرام دست یابد. کشور ما در حالت فعلی با معضلات و بحران های جدی روبه روست. افزایش بی رویه جمعیت فقط موجب تشدید این بحران ها و ایجاد معضلات جدید خواهد شد.

**ما هم اکنون از نظر منابع طبیعی دچار مشکلات فراوانی هستیم که بزرگترین آنها بحران آب است. در حالی که این بحران شهرها و استان ها را علیه هم قرار می دهد و هنوز چاره ای برای آن اندیشیده نشده، صحبت از افزایش جمعیت بدون تعارف ((حرف مفت)) است!**

علاوه بر این مشکلات اقتصادی و کمبود زیرساخت ها در روستاها موجب شده تا مردم ایران با جمعیت کنونی دچار کمبودهای بهداشتی، آموزشی، مسکن و... باشد. وقتی این امکانات ابتدایی برای داشتن یک زندگی حداقلی

هر روزه با اصطلاحاتی مثل بحران زیست محیطی و کمبود و نبود آب، خشکسالی، تغییرات اقلیمی و... رو به رو می شویم؛ امروز در این برنامه درباره ی ریشه مشکلات سخن خواهیم گفت و چاره ای برای حل چنین مشکلاتی خواهیم اندیشید. امروزه وضعیت محیط زیستی در کشور به چه شکلی است؟ و آیا ما واقعا با یک بحران رو به رو هستیم؟

برای اینکه بفهمیم در حوزه ی محیط زیستی دچار بحران هستیم یا نه، چهار شاخص اصلی وجود دارد. اولین شاخص وضعیت جابه جایی خاک در کشور است. اینکه هر ساله تا چه میزان خاک در کشورمان جابه جا می شود و با اصطلاح فرسایش پیدا می کند و این میزان چه نسبتی با میزان خاکریزی دارد؟ (که یکی از شاخص های پایداری یا ناپایداری اکولوژیکی یک کشور است.) به عبارتی هر چقدر این دو نسبت به هم نزدیک تر باشند شرایط نرمال تر است. در کشور ما شدت از دست دادن خاک بین ۶ تا ۷ برابر فرایند خاکریزی است. مایکی از بالاترین نسبت ها را در جهان داریم و یکی از نگران کننده ترین شرایط را نشان می دهد. با توجه به این که در کشور به طور متوسط حدود ۸۰۰ سال زمان می برد تا یک سانتی متر خاک شکل بگیرد در حالی که متوسط این آمار در جهان ۴۰۰ سال است. بنابراین انتظار می رود حساسیت نسبت به این ماجرا در کشور ما خیلی زیادتر باشد. طبق آخرین آمارهایی که در مورد فرسایش خاک در ایران وجود دارد، سالانه حدود ۲ میلیارد تن خاک جابه جایی می شود. این جابه جایی اعم از فرسایش آبی و بادی است.

**قاعدتا ما نسبت به مساحت مان ۰/۰۱ کل فرسایش خاک در جهان را در بر می گیریم در صورتی که به نسبت مساحت، میزان فرسایش خاک در ایران ۸ برابر متوسط جهانی است و از آنجایی که زمان لازم برای شکل گیری یک سانتی متر مکعب خاک در ایران ۲ برابر متوسط جهانی است و خامت اوضاع در ایران ۱۶ برابر میانگین های جهانی می باشد و این آمار بسیار نگران کننده است.**

پس ما از نظر شاخص فرسایش خاک از وضعیت بحرانی سال هاست که عبور کرده ایم. خاک ریشه گیاه است. ما چند کشور در دنیا داریم که حتی آب را صادر می کنند، اما هیچ کشوری خاک خود را صادر نمی کند.

دومین شاخص آب است. در این مورد خطر بسیار جدی وجود دارد، ما تقریبا در ۶۰ دشت اصلی ایران میزان افت سطح آب زیرزمینی مان به بالاتر از ۲ متر در سال رسیده است، که یک رکورد بسیار تکان دهنده می باشد. تقریبا امسال در قرن ۲۱ ام دوبار رکورد فرونشست زمین را در کل کره ی زمین شکستیم. یعنی یک بار به مرز ۶ سانتی متر در سال رسیدیم و یکبار هم از ۵۴ سانتی متر در سال عبور کردیم در حالی که وضعیت بحرانی در حوزه نشست زمین ناشی از افت آب های زیرزمینی ۴ میلی متر تعریف شده است. که به عبارتی ایران یک بار ۹۰ برابر و بار دیگر ۱۴۰ برابر شرایط بحرانی از مرز این بحران در حوزه سطح آب زیرزمینی عبور کرده است. تقریبا تمام تالاب های ثبت شده ما در کنوانسیون جهانی رامسر اکنون در لیست مونترو (لیست تالاب های در معرض خطر) قرار گرفته است.

حوزه ی سوم بحث آلودگی هواست. خبر آلودگی در کشور ما چند رکورد را جا به جا کرده است. ما کشوری هستیم که هر سال دست کم یکی از شهرهای مان به عنوان آلوده ترین شهر جهان معرفی می شود و آمار هم که مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی ارائه داده است، مشخص می کند که به طور متوسط بیش از ۸ میلیارد دلار در سال خسارت آلودگی هوا تحمیل می شود و دست کم ۳۰ هزار نفر از هموطنان ما به صورت مستقیم از آلودگی هوا رنج می برند.

کشوری که می‌تواند موشک‌های زمین به زمین و دور برد و کیک زرد بسازد، اگر اراده کند حتما می‌تواند در حوزه ارتقای نرم‌افزاری بخش کشاورزی هم پیشرفت کند. مسئله این است که ما آرمان توسعه را عوض قرار دادن بر روی امنیت غذایی بر روی خودکفایی غذایی قرار داده‌ایم و این نادرست بودن آرمان سبب ورود ما به بحران شده است. اغلب مسائل محیط‌زیستی با مفهومی به نام توسعه گره خورده است و بیشتر اوقات این دو به نوعی روبروی یکدیگر قرار می‌گیرند و با همدیگر کشاکش دارند سوال این است که مدل توسعه‌ی مطلوب چگونه است؟ آیا ما باید همیشه یکی از این دو را فدای دیگری کنیم و یا اینکه الزاماً باید برای دستیابی به توسعه قید یک سری ملاحظات محیط‌زیستی را بزنیم؟

مادر حال حاضر حتی از ملاحظات و هنجارهای اقتصاد سبز هم عبور کردیم و به اقتصاد آبی رسیدیم. اقتصاد آبی می‌گوید ضایعات هر صنعتی باید ماده‌ی اولیه یک صنعت دیگر باشد و به این ترتیب چیزی به نام زیاده نباید در یک کشور توسعه یافته بر مبنای ملاحظات اقتصاد آبی وجود داشته باشد. بنابراین محیط‌زیست می‌تواند ضامن پایداری اقتصاد یک سرزمین باشد؛ اگر هنجارها به درستی رعایت شود.

**-نظر شما در مورد سد سازی چیست؟ آیا ما در ایران شاهد نوعی سد سازی بی‌رویه هستیم و آیا شما مخالف سد سازی هستید؟**

یکی از گزینه‌های مدیریت آب سد سازی است و کسی را نمی‌توان یافت که به صورت مطلق با سد سازی مخالف

باشد. کشور ایران از دیرباز در این زمینه پیشگام بوده و آن چیزی که ما مخالفش هستیم نگاه افراطی و غلبه‌ی تفکر سازه‌ای در مدیریت آب است. ما فقط در صورتی مجاز به سد سازی هستیم که برای تامین آب شرب مردم هیچ راه دیگری نداشته باشیم و هرگز منطقی نیست که ما برای تامین بخش کشاورزی و صنعت هم سد بسازیم. در واقع با سد سازی‌های افراطی کار دزدی آب را فراهم می‌کنیم. ظرفیت سدها باید حداکثر ۴ تا ۵ برابر آب شرب مورد نیاز مردم باشد، به عبارتی حدود ۸ میلیارد متر مکعب آب نیاز داریم و مخزن این سدها باید در کشور ما حداکثر تا ۴۰ میلیارد متر مکعب باشند که بتوانیم از نظر پدافند غیر عامل کشور را در سال‌های خشک حمایت کنیم.

از طرفی در طول ۶۰ سال اخیری که سد سازی در کشور ما قدمت دارد آیا تعداد سیل‌ها و یا خسارات ناشی از سیل کاهش پیدا کرده است؟ خیر، در کل دنیا هم همچنین. متأسفانه هر ساله شاهد آمارهای ملی و جهانی خسارت ناشی از سیل هستیم و هرگز سدها نتوانستند سیل‌ها را مهار کنند. از طرفی خود سدها یکی از عوامل تخریب رویشگاه‌های جنگلی هستند و همچنین نابودی تالاب‌ها به عنوان مهمترین منبع کنترل سیلاب‌ها.

برای حل معضلات عدیده‌ای که شمردید چه کارهایی می‌توان انجام داد؟ هم در حاکمیت و سیاست گذاری‌های عمومی و هم تشکل‌های دانشجویی و تشکل‌های مردم نهاد.

اصل ماجرا این است که معمولاً در گزینش‌ها برای ساختمان پاستور و یا مجلس برادری‌ها را بیشتر لحاظ

می‌کنیم نه تخصص را. اینکه کسی که می‌خواهد وارد مجلس شود یا کاندیدای ریاست جمهوری شود، تا چه اندازه برادری‌اش برای نظام ثابت شده است و کسی توجهی نمی‌کند که تا چه اندازه تخصص لازم را برای اظهار نظر و چیدمان توسعه نیاز داریم، ما باید به سمت بازنگری در سیاست‌های گزینشی خود برویم. گاه حرف‌هایی از این نمایندگان و رهبران سیاسی کشور شنیده می‌شود، که واقعا شگفت‌آور و تأسف‌آور است.

**این که در کمیسیون کشاورزی مجلس طرحی تصویب شود با عنوان مانع زدایی از تولید و دنبال این هستند که در مناطق کویری و بیابانی با صادرات کشاورزی پول تولید کنند، و یا هنگامی که رئیس جمهور یک کشور می‌گوید ۶ میلیون تن دانه‌ی بلوط در زاگرس داریم؛ پس این‌ها را غذای دام کنیم تا تحریم‌ها را دور بزنیم، این‌ها مصداق‌های جنایت علیه بشریت است و این که این حرف‌ها زده می‌شود، مصداق بارز نادانی است و این چیزهایی است که باید درست شود.**

ما حتی در برنامه ۵ ساله که دولت موظف به تولید ۵ هزار مگاوات برق شده هم نتوانستیم حرکت کنیم. سرمایه‌گذاری در حوزه انرژی برق به مراتب ارزان تر از سرمایه‌گذاری در حوزه‌های بسیار هزینه‌ی باری است که الان دولت در حاکمیت دنبالش است و اینکه بگوییم تولید برق از

طریق انرژی نو صرفه اقتصادی ندارد بسیار خطرناک است. منابع نفتی محدود هستند و به زودی به پایان می‌رسند و کشورهایی که همچنان با تولید برق بخواهند اقتصاد خود را بگردانند به خاطر انتشار گازهای گلخانه‌ای به شدت مورد جریمه‌های سخت قرار خواهند گرفت. ما باید شرایط آینده و اینکه عضوی از جامعه جهانی هستیم را درک کنیم.

**در مورد تشکل‌های دانشجویی و مردم نهاد؛ اصولاً دانشگاه‌های ما در این حوزه می‌توانند خیلی موثر واقع شوند به شرطی که با عدد و رقم صحبت کنند و حاکمیت را بتوانند اقناع کنند که چرا باید به سرعت چیدمان توسعه را تغییر دهند.**

کدام تشکل دانشجویی را سراغ دارید که منتقد مجلس شورای اسلامی و حاکمیت باشد که چراماده‌ی ۵۹ برنامه پنج‌ساله چهارم هنوز اجرا نشده است. ماده‌ای که اگر اجرا می‌شد ارزش گذاری اقتصادی برای منابع طبیعی ما اتفاق می‌افتاد آنوقت توسعه نیروگاه‌های حرارتی، توسعه کارخانه‌های سیمان و فولاد صرفه اقتصادی نداشت. اینکه چرا هیچ دانشگاه و تشکل تخصصی دانشجویی در این حوزه فعالیت نکرده‌اند پاسخ ساده است، ما فقط عنوان تشکلی، دانشگاهی و کنشگری را پدک می‌کشیم و در واقعیت هنگامی که در خلوت خودمان فکر کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که اکثر اینها به کلی از ماده‌ی ۵۹ خبری ندارند. چون به سراغ مطالعه نرفتند و هیچ زمانی را به این موضوع اختصاص ندادند.



گاهنامه واحد سیاسی انجمن اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت دانشگاه تبریز  
دوره سوم، شماره دهم، اسفند ماه ۱۴۰۰

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان دفتر تحکیم وحدت دانشگاه تبریز  
مدیرمسئول: امیررضا بفتاقت  
سردبیر: امیرحسین حیدری  
طراح و مدیر هنری: سجاد مقید

هیئت تحریریه:  
محمدحسین اسدی  
عرفان خیرخواه  
محمدقادی  
امیرعلی مختاری  
امیرحسین غیائی  
صیافدس



آدرس کانال بله و تلگرام: @anjoman\_eslami\_tbz  
آدرس صفحه اینستاگرام: @anjoman\_eslami\_tabrizu